

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهبرد روسیه در خاورمیانه

گزیده پژوهش‌های جهان: راهبرد روسیه در خاورمیانه

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

تلخیص و ترجمه: رامین ندیمی

تاریخ انتشار: ۹۶/۱۱/۱۴

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هرصورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



راهبرد روسیه در خاورمیانه^۱

مقدمه

در سپتامبر ۲۰۱۵، نیروهای مسلح فدراسیون روسیه حملات هوایی خود برضد اهداف گروه‌های مسلح مخالف دولت سوریه را آغاز کردند و این به منزله نقطه شروع برای مداخله نظامی چشمگیر و ادامه‌دار مسکو در جنگ داخلی سوریه بود. بسیاری از تحلیل‌گران و کارشناسان سیاسی غربی از این اقدام روسیه متعجب شدند. مسلماً، چنانچه تحلیل‌گران شناخت عمیق‌تری از منافع، اهداف، و رویکردهای روسیه داشتند، از مداخله نظامی مسکو در سوریه متعجب نمی‌شدند. ماهیت و ابعاد اقدامات روسیه موجب شد که بسیاری از کارشناسان این پرسش را مطرح نمایند که چه موضوعات دیگری ممکن است در شناخت کلی منافع گسترده‌تر روسیه و اقدامات این کشور در خاورمیانه از قلم افتاده باشد؟ در حالی که مطالب فراوانی پیرامون حضور روسیه در خاورمیانه منتشر شده است، تحلیل‌های اخیر به شکلی قابل فهم بر مداخله روسیه در سوریه متمرکز بوده است، و از این‌رو، توجه اندکی به روابط مسکو با دیگر کشورها در منطقه شده است. مقاله حاضر در تلاش است تا به شناخت عناصر مهم در منافع روسیه نه تنها در سوریه، بلکه در تمامی خاورمیانه دست زده، تعریفی از ماهیت درگیری روسیه در منطقه ارائه داده، و به شرح خطوط کلی راهبرد روسیه در خاورمیانه بپردازد.

• سیاست خارجی روسیه و خاورمیانه

روسیه از سال ۲۰۰۵ حضور خود در منطقه خاورمیانه را افزایش داده است. از سال ۲۰۰۵ تا

۱. این متن تلخیصی است از:

Games Sladden, Becca Wasser, Ben Cannable, Sarah Grand Clement, "Russian Strategy in the Middle East", RAND Corporation, 2017.



۲۰۰۷، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از مصر، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی، اردن، قطر، ترکیه، ایران، و امارات متحده عربی دیدار کرد و روسیه کرسی ناظر را در سازمان همکاری اسلامی به دست آورد. این دیدارها در مسیری متضاد با بی‌عملی سلف پوتین، بوریس یلتسین، بود که هیچ دیدار رسمی از منطقه به عمل نیاورده بود. سفر پوتین به امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی، نخستین دیدارهای یک رهبر روسیه از این دولت‌ها محسوب می‌شد، و تلاش‌های وی برای ایجاد روابطی حسنه با رژیم صهیونیستی به منزله تغییری چشمگیر نسبت به سیاست اتحاد شوروی پیشین بود. این دیدارهای منطقه‌ای در کنار افزایش مشارکت روسیه در مذاکرات منطقه‌ای، شامل فرایند صلح خاورمیانه، گفتگوهای گروه پنج به علاوه یک با ایران، و پیگیری منافع اقتصادی و تجاری روسیه، انجام گرفتند. علی‌رغم این حضور دوباره و مشارکت فعال، یک تحلیل منتشر شده از سوی مؤسسه «رند» در سال ۲۰۰۹ پیرامون سیاست خارجی روسیه به این جمع‌بندی رسیده بود: «هیچ‌کدام از تدابیر روسیه به نفوذی حقیقی در خاورمیانه منجر نمی‌شود. علاوه بر این، روسیه در بیان روشن اهداف و منافعش در منطقه ناموفق بوده است». تغییرات سریع و خشونت‌آمیز بهار عربی در سال ۲۰۱۱ موجب شد مسکو از احتمال اینکه موج قیام‌های مردمی به تغییراتی عظیم که می‌توانستند بر منافعش در منطقه تأثیر بگذارند، بیمناک شود.

اصول سیاست خارجی مسکو

اسناد و مدارک مربوط به سیاست خارجی روسیه تصریح می‌کنند که خاورمیانه دارای اهمیت کمتری از اروپا و آسیا برای راهبرد امنیت ملی کرملین است. این موضوع در اسناد راهبرد سیاست خارجی روسیه منتشر شده از سوی وزارت امور خارجه این کشور در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ هوید است. در هر دوی این سندهای بالادستی، غرب آسیا در جایگاهی نزدیک به انتها در بخش «اولویت‌های منطقه‌ای» قرار دارد. این حقیقت نشان‌دهنده اولویت پایین‌تر خاورمیانه در نگاه جهانی مسکو است. از دیدگاه روسیه، خاورمیانه دارای فرصت‌های محدودی جهت حفظ یا پیشبرد منافع ملی حیاتی این کشور است. این‌گونه ارزیابی‌ها نقش به‌سزایی در شکل‌گیری اقدامات روسیه در منطقه دارند. براساس یک پژوهش مؤسسه رند در سال ۲۰۰۹، سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه برپایه پرستیژ بین‌المللی، تجارت، و ثبات منطقه‌ای قرار دارد.



– سوریه

روسیه با ارائه پشتیبانی مستقیم هوایی برای عملیات‌های نظامی سوریه در سپتامبر ۲۰۱۵، به دولت اسد کمک کرد تا حاکمیت خود را حفظ کند و کنترلش بر شهر بزرگ حلب را دوباره برقرار نماید. این تلاشی برای تغییر مسیر جنگ و تحولی مهم و استثنایی پس از جنگ سرد از سوی روسیه بود. مداخله نظام روسیه در سوریه رویدادی برخلاف ترجیح سنتی روسیه برای پرهیز از درگیری مستقیم محسوب می‌شود که اکنون در گرم‌گرم مناقشه سوریه به کلی کنار گذاشته شده است. با این وجود، مداخله روسیه را می‌توان منطبق و برپایه حمایت این کشور از یک متحد دیرین و موضع مسکو در ایستادگی در برابر سیاست «تغییر رژیم» دانست. این اقدام همچنین منعکس‌کننده نگرانی روسیه در مورد خطر تروریسم بین‌المللی و گسترش حفاظت از پایگاه‌های دریایی و هوایی این کشور در لاذقیه و تارتوس است. حفظ این تأسیسات مهم یکی از اولویت‌های مسکو به شمار می‌آید، به‌ویژه آنکه این پایگاه‌ها نقش پراهمیتی در قدرت‌افکنی روسیه در شرق مدیترانه و خاورمیانه ایفاء می‌کنند. پایگاه‌های مذکور روسیه را قادر می‌سازند تا موقعیت ایالات متحده و متحدان آن در منطقه را به چالش بکشند.

● حضور دیپلماتیک و اقتصادی روسیه

متمرکز شدن بر اقدامات روسیه در سوریه می‌تواند موجب نادیده گرفتن منافع گسترده دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری روس‌ها در سراسر خاورمیانه شود. برای شناخت ماهیت، گستردگی، و محدودیت‌های حضور روسیه در منطقه، ضروری است تا درک بهتری از این موارد داشته باشیم. برپایه نحوه عملکرد و ادبیات منتشرشده از سوی مسکو، حضور گسترده‌تر دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری روسیه دارای چند ویژگی بارز است:

– روابط تعاملی هستند

درحالی‌که روسیه توانایی خود را برای برقراری ارتباط با بسیاری از بازیگران دولتی و غیردولتی در خاورمیانه ارتقاء می‌دهد، بهتر است که روابط با مسکو با این بازیگران را برپایه دادوستد طبقه‌بندی کرد. به شکلی کلاسیک، روسیه در معادلات خود واقع‌گراست و خود را درگیر طیف گسترده‌ای از موضوعات خارجی، مانند اصلاحات دموکراتیک و حقوق بشر، به



مانند دولت‌های غربی نمی‌سازد. با این حال، ماهیت تعاملی این روابط تماماً به سود روسیه نمی‌باشد. به استثنای حکومت سوریه و احتمالاً ایران، کشورهای خاورمیانه به این دلیل با روسیه به معامله می‌پردازند که قادر به این کار هستند، و نه از آنجایی که مجبورند.

– محدودیت امکان ایجاد اتحاد با روسیه به دلیل موانع غیرقابل عبور

بسیاری از کارشناسان و ناظران در سراسر منطقه استدلال می‌کنند که روابط مسکو با کشورهای خاورمیانه تنها جنبه تعاملی ندارند، بلکه هم‌زمان محدود به موانع غیرقابل عبور نیز هستند. این موانع به شکل بخشی از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه دیده می‌شوند، اما آنها به‌طور عمده محصول جنبی رویکرد غیرایدئولوژیک و معامله‌گر روسیه به روابط منطقه‌ای هستند. روسیه به دنبال ایجاد و حفظ روابطی عملگرایانه با تقریباً تمامی بازیگران دولتی و غیردولتی در خاورمیانه است. مسکو با تقویت روابطش با کشورهای خلیج فارس و رژیم صهیونیستی، و هم‌زمان همکاری عمیق‌تر نظامی با ایران در این رویکرد موفقیت‌هایی را به دست آورده است.

– کشورهای خاورمیانه از روسیه به‌عنوان جایگزین و پیامی برای غرب استفاده می‌کنند

دولت‌های خاورمیانه در برابر نیت روسیه محتاط هستند، اما علی‌رغم این نگرانی‌ها، آنها روسیه را به چشم جایگزینی سودمند برای آمریکا می‌نگرند، به‌ویژه هنگامی که رهبران منطقه‌ای در دریافت آنچه آرزو دارند از ایالات متحده ناکام می‌مانند. هنگامی که ما نمی‌توانیم مقاصد حقیقی هر یک از رهبران خاورمیانه‌ای را ارزیابی کنیم، کارشناسان امور روسیه و خاورمیانه گمان می‌برند که دولت‌های منطقه در وهله اول، از قراردادهای سیاسی و اقتصادی با روس‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای ارسال این پیام برای آمریکا بهره می‌برند که آنها گزینه‌های دیگری هم در اختیار دارند.

– تجارت و سرمایه‌گذاری روسیه – خاورمیانه

ارتقاء و حفاظت از منافع اقتصادی روسیه در خاورمیانه یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست مسکو در منطقه است. با این حال، مقیاس و زمینه چنین اهدافی از اهمیت زیادی



برخوردارند. معامله با خاورمیانه درصد اندکی از کل تجارت و صادرات روسیه را به خود اختصاص می‌دهد و این منطقه بازار جدی برای اقتصاد روسیه به شمار نمی‌آید. فعالیت‌های اقتصادی منطقه‌ای مسکو دارای اهدافی فراتر از کسب پول بیشتر هستند. فرصت اقتصادی برای روسیه به منزله فراهم‌کننده حضور منطقه‌ای و نفوذ است.

- انرژی بخش مهمی از سیاست خارجی روسیه است

روسیه دارای منافع اقتصادی و تجاری مهمی در بخش انرژی در خاورمیانه است که دربرگیرنده طیفی از نفت و گاز تا انرژی هسته‌ای می‌باشد. شرکت‌های دولتی روسی مانند گازپروم^۱ و روس‌اتم^۲ تأمین‌کننده منافع مهم روسیه در بخش انرژی شامل بازارهای مصرف کلیدی، میدان‌های نفت و گاز، و مشتریان زیرساخت‌های انرژی هسته‌ای، مانند ایران، عراق، و ترکیه و نیز اقلیم کردستان عراق و شرق مدیترانه، محسوب می‌شود.

- قدرت‌افکنی از راه تجارت تسلیحات

روسیه تلاش هماهنگی را برای به‌دست آوردن نقش خود به‌عنوان تأمین‌کننده تسلیحات مناسب برای دولت‌های عرب به عمل می‌آورد. فروش‌های تسلیحاتی «جایزه بزرگی برای روسیه» برای به‌دست آوردن موقعیت آمریکا است. این فرصت ناشی از این درک است که آمریکا در حال تغییر اولویت خود به شرق آسیاست و در تأثیرگذاری بر تحولات پس از بهار عربی ناتوان بود. فروش‌های اخیر تسلیحاتی آمریکا به مصر و عربستان سعودی به سبب آنچه نگرانی‌های حقوق بشری خوانده شدند، به تأخیر افتادند. فروش اسلحه به دیگر کشورهای خلیج فارس نیز به دلیل نگرانی بر سر حفظ برتری کیفی نظامی رژیم صهیونیستی دچار تأخیر شد. در نتیجه، سیاست فروش تسلیحات ایالات متحده دیگر کمتر قابل اعتماد انگاشته می‌شود.

● جمع‌بندی

تقریباً دو سال پس از آغاز مداخله روسیه در سوریه، روشن است مسکو در پی باقی ماندن

1. Gazprom
2. Rosatom



به صورت بازیگری فعال و حقیقی در مسائل خاورمیانه می‌باشد. در حالی که انگیزه‌ها و محرک‌های اصلی سیاست روسیه به مانند گذشته همان موارد حفظ پرستیژ، دادوستد، و حفظ ثبات هستند، اما منافع مسکو به زمینه‌های دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری نیز تسری یافته است. شناخت دلایل درگیر شدن روسیه در سراسر منطقه برای فهم دستاوردهای بالقوه قابل کسب توسط روسیه و پرهیز از تعبیر اشتباه اقدامات این کشور خطیر می‌باشد.

نقش بالقوه روسیه در منطقه نباید بیش از حد بزرگ تلقی شود. روسیه با محدودیت‌هایی در کسب آنچه می‌تواند به دست آورد و آنچه بازیگران محلی اجازه کسب آن را می‌دهند، مواجه است. درحالی که مسکو دستاوردهایی را در سوریه کسب کرده است، این کشور احتمالاً قادر به تبدیل این موفقیت به قدرتی استراتژیک نیست، زیرا به نظر می‌رسد که سوریه برای مدتی طولانی دچار شورش مسلحانه باشد. از برخی نقطه‌نظرات، مسکو احتمالاً نیازمند پاسخ دادن به یک سؤال انتقادی است که می‌پرسد: در منطقه‌ای که به اندازه آسیا و اروپا از اولویت در سیاست خارجی برخوردار نیست، چه مقدار نفوذ به چه مقدار هزینه خواهد ارزید؟